

تشیع سلمان و آغاز پیدایش تشیع

یکی از مسایل مهم زندگی سلمان، تشیع اوست که حتی اهل تسنن آن را قبول دارند. خواهیم گفت که یکی از علل تشیع ایرانیان، نقش سلمان در این راستا بوده است و بر این اساس نتیجه می گیریم که سلمان حق بزرگی بر ما ایرانیان دارد...



یکی از مسایل مهم زندگی سلمان، تشیع اوست که حتی اهل تسنن آن را قبول دارند. خواهیم گفت که یکی از علل تشیع ایرانیان، نقش سلمان در این راستا بوده است و بر این اساس نتیجه می گیریم که سلمان حق بزرگی بر ما ایرانیان دارد.

یکی از مسایل مهم زندگی سلمان، تشیع اوست که حتی اهل تسنن آن را قبول دارند. خواهیم گفت که یکی از علل تشیع ایرانیان، نقش سلیمان در این راستا بوده است و بر این اساس نتیجه می گیریم که سلمان حق بزرگی بر ما ایرانیان دارد که هم نقش به سزایی در گرایش ایرانیان به اسلام داشته و هم اسلام حقیقی را که تنها در سیمای امیرمؤمنان علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام دیده می شود، وارد ایران نموده است.

در این بخش به طور اختصار، موضوع تشیع سلمان و علل تشیع ایرانیان را بررسی می کنیم.

آری، سلمان، علی علیه السلام را گم نکرد تا محمد صلی الله علیه و آله را گم نکند. و ایرانیان سلمان را گم نکردند تا علی علیه السلام را گم نکنند!

در اینجا لازم است، نخست به شرح پیدایش تشیع بپردازیم، سپس درباره ی تشیع سلمان سخن بگوییم:

آغاز پیدایش تشیع

گرچه مغرضان و قلم به دستان عوام فریب یا ناآگاه سعی دارند، وانمود کنند که تشیع بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله پدید آمده و نتیجه ی افکار «عبدالله بن سبا» (1) یا ایرانیان و یا ... است، ولی حقیقت این است که تشیع در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پی ریزی شد و در روز غدیر رسماً اعلام گردید و برای آن طبق فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله از مسلمانان بیعت گرفته شد.

در روایات فراوان از طریق شیعه و سنی بیان شده است که آیه 7 و 8 سوره ی بینه درباره ی امام علی علیه السلام و شیعیان او نازل شده است، در این دو آیه می خوانیم:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه - جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجري من تحتها الانهار خالدين فیها ابدًا رضي الله عنهم و رضوا عنه ذلک لمن خشي ربه؛ همانا کسانی که به خدای یگانه ایمان آورده و اعمال نیکو انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا) هستند - پاداش آنها نزد پروردگارشان، باغ های بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است، همیشه در آن بهشت متعمم هستند، خدا از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنود هستند و این بهشت، مخصوص کسی است که از پروردگارش ترسید (و به اطاعت او پرداخت).»

در بسیاری از روایات، جمله ی «اولئک هم خیرالبریه» (آنها بهترین خلق خدا هستند) به امام علی علیه السلام و شیعیانش تفسیر شده است. حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل با اسناد مختلف نقل می کند که «ابن عباس» گفت: هنگامی که این آیه (7سوره ی بینه) نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«هو انت و شیعتک...؛ منظور از بهترین خلق خدا، تو و شیعیان تو هستی که در روز قیامت وارد محشر شوید، در حالی که شما از خدا ناراضی هستید و خدا از شما خوشنود است.»

در روایت دیگری آمده است، ابوبرزه گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را قرائت کرد و به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«هو انت و شیعتک...؛ مقصود از بهترین خلق خدا، تو و شیعیانت هستی.» (2)

در روایت دیگر، جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند: «در کنار کعبه در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله رو به کعبه کرد و فرمود:

«و رب هذه البینه ان هذا و شیعتہ هم الفائزون؛ به خدای این کعبه، این مرد (در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام اشاره می کرد) و شیعیانش در قیامت رستگارانند.»

و آیه مذکور (7 سوره ی بینه) در مورد علی علیه السلام و شیعیانش نازل شد. از آن پس هنگامی که یاران محمد صلی الله علیه و آله ، و علی علیه السلام را می دیدند که می آید، می گفتند: «بهترین مخلوق خدا بعد از رسول الله می آید.» (3)

این مطلب با اندکی تفاوت، در تفسیر الدر المنثور و فصول المهمه و فتح الغدير و .. آمده است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: از ام سلمه شنیدم که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

«ان علیا و شیعتہ هم الفائزون؛ علی علیه السلام و شیعیانش، همان گروه رستگارانند.» (4)

نتیجه اینکه، واژه شیعه از همان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله ی آن حضرت به پیروان علی علیه السلام اطلاق شده است.

گفتار دو نفر از علمای اهل تسنن در پیدایش شیعه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله

1- ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی (متوفی 205 ه.ق) در کتاب الزینه (3ج) می گوید: «لفظ شیعه در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله، لقب چهارنفر از صحابه یعنی سلمان، ابوذر، مقداد و عمار یاسر بود. بعد از قتل عثمان و جبهه گیری معاویه در برابر پیروان علی علیه السلام، پیروان معاویه را عثمانیه می خواندند و پیروان علی علیه السلام با نام علویان یا حفظ نام شیعه نامیده می شوند.»

2- شیخ ابومحمد حسین بن موسی نویختی (از علمای اهل تسنن در قرن چهارم) در کتاب «الفرق و المقالات» چنین می گوید:

«ارکان فرقه های اسلامی، چهار فرقه می باشند: 1- شیعه 2- معتزله 3- مرجئه 4- خوارج. شیعه همان فرقه ی پیرو علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد که در عصر زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از رحلت او به نام «شیعه ی علی» خوانده می شدند و فقط علی علیه السلام را امام بر حق می دانستند، مانند سلمان، مقداد، ابوذر و عمار یاسر و هر کس که علی علیه السلام را دوست می داشت. اینها نخستین افراد در اسلام هستند که با نام شیعه خوانده شدند و قبل از

اسلام به پیروان ابراهیم، موسی، عیسی علیه السلام و انبیاء دیگر شیعه می گفتند.» (5)

نظریه ی ابن ابی الحدید معتزلی

عالم معروف اهل تسنن، شارح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (متوفی 656 ه.ق) می نویسد:

«از دیرباز مردم، علی علیه السلام را بر سایر صحابه ی پیامبر صلی الله علیه و آله ترجیح می دادند و بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعان همین عقیده را داشتند، از جمله عمار، مقداد، ابوذر، سلمان، جابر، حذیفه و ... تمام بنی هاشم و تمام فرزندان و نوادگان عبدالمطلب و از بنی امیه، خالد بن سعید بن عاص و عمر بن عبدالعزیز، به برتری علی علیه السلام بر سایر خلفاء اعتقاد داشتند. سپس داستانی ذکر می کند که:

«مردی در کوفه سوگند یاد کرد که اگر علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله برتر از همه نباشد، زنم مطلقه است (زنم طلاق داده شده است) ولی پدر زنش، منکر برتری علی علیه السلام بود. ناگزیر برای داوری نزد عمر بن عبدالعزیز آمدند. عمر بن عبدالعزیز در حضور جماعتی از بنی امیه، حکم کرد که آن زن همسر آن مرد است و مطلقه نیست، کنایه از اینکه علی علیه السلام برتر از همه است.» (6)

نامگذاری شیعه از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله

در روایات ائمه ی اهل بیت علیه السلام بسیار گفته شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله واژه ی «شیعه» را در مورد پیروان امام علی علیه السلام به کار برده است، به عنوان نمونه:

امام رضا علیه السلام از پدران خود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«انا و هذا یوم القیامه کھاتین و شیعتنا معنا؛ من و علی علیه السلام در روز قیامت، مثل این دو انگشت بهم پیوسته هستیم و شیعیانمان با ما هستند.» (7)

و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«توضع یوم القیامه منابر حول العرش لشیعتی و شیعه اهل بیتی المخلصین فی ولایتنا...؛ در روز قیامت، منبرهایی در اطراف عرش برای شیعیانم و شیعیان اهل بیت من که درباره ی ولایت ما اخلاص دارند، نهاده می شود و خداوند به آنها می فرماید: ای بندگانم بپایید تا کرامتم را بر شما سرازیر کنم، شما در دنیا مورد آزار قرار گرفتید.» (8) و نیز از امام رضا علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«ترد شیعتک یوم القیامه رواء غیر عطاش؛ شیعیان تو در روز قیامت در حالی که سیراب هستند و تشنه نمی شوند، به عرصه ی محشر وارد می گردند.» (9)

امام سجاد علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«بشر لشیعتک انی الشفیع لهم...؛ به شیعیان خود بشارت بده که من در روز قیامت از آنها شفاعت می کنم.» (10)

انس بن مالک می گوید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از امت من هفتاد هزار نفر وارد می شوند که برای آنها حساب و عذاب نیست.» سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود:

«هم و شیعتک و انت امامهم؛ آنها شیعیان تو هستند و تو امام آنها هستی.» (11)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برای خداوند متعال درختی است از یاقوت سرخ که از آن بهره مند نگردند جز من و شیعیانم و مردم دیگر از آن بهره ندارند.» (12)

پیشتر از تشیع در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از او

در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب، جمعی از افراد بر جسته و مورد تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله همواره آنها را می ستود، مانند سلمان، ابوذر، مقداد، عمار یاسر، جابر بن عبدالله انصاری، حذیفه بن یمان، ابی الهیثم بن تیها، سهل بن حنیف، ابویوب انصاری، عبدالله بن صامت، خزیمه بن ثابت، ابوسعید خدری و ... (13)

در میان این افراد، سلمان، ابوذر، مقداد و عمار یاسر و پیشتر ازانی بودند که هیچ تردیدی نیست که مورد قبول پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله بارها آنان را با تعبیرات گوناگون ستود.

و نیز بدون تردید این افراد بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، از شیعیان برجسته ی امام علی علیه السلام بودند و هرگز از این عقیده دست برنداشتند.

بنابراین به روشنی درمی یابیم که موضوع تشیع، در همان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و در زمان خلافت ابوبکر و عمر رسماً مطرح بوده است و در نتیجه ی افکار افراد عصرهای بعد نبوده است.

در روایت دیگر آمده است، وقتی که آیه 23 سوره ی شورا نازل شد:

«قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی؛ ای پیامبر! به مسلمانان بگو که از شما پاداشی جز دوستی با خویشانم را نمی خواهم.»

با اینکه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بسیاری پذیرفتند که محبت اهل بیت علیهم السلام را مطابق آیه ی مذکور حفظ کنند ولی امام صادق علیه السلام فرمود: «سوگند به خدا هیچکس جز هفت نفر، به عهد خود (در مورد پذیرش کامل معنی آیه ی مذکور) وفا نکرد و آن هفت نفر عبارتند از: 1- سلمان 2- ابوذر 3- مقداد 4- عمار یاسر 5- جابر بن عبدالله انصاری 6- غلامی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام «ثبیت» 7- زید بن ارقم. (14)

و در روایات متعددی بیان شده است که سه نفر یعنی سلمان و ابوذر و مقداد به طور کامل در راه تشیع و ولایت علی علیه السلام ایستادگی نمودند و کوچکترین شک و تغییری در دل و روش آنها راه نیافت در حالی که دیگران سستی کردند. (15)

آزمایش اصحاب

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و پایان ماجرای سقیفه، چهل نفر از اصحاب به حضور علی علیه السلام آمده و اظهار داشتند: «سوگند به خدا ما هرگز از غیر تو پیروی نمی کنیم و کسی را در اطاعت بر تو مقدم نمی داریم.»

امام علی علیه السلام فرمود: «چرا و به چه علت؟»

گفتند: «زیرا به خوبی به مقام تو پی برده ایم و ماجرای جانشینی تو از رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر دیده ایم.»

امام علی علیه السلام فرمود: «آیا شما حتماً بر سر پیمان خود وفادار خواهید ماند؟»

پاسخ دادند: «آری.»

امام به آنها فرمود: «فردا با سر تراشیده نزد من بپایید.»

فردای آن روز علی علیه السلام سر خود را تراشید و از آن چهل نفر، تنها سلمان و ابوذر و مقداد با سر تراشیده آمدند و عمار یاسر نیز بعد از ظهر با سر تراشیده آمد.

این موضوع دوبار تکرار شد و در این آزمایش، این چهار نفر رو سفید شدند. (16)

با توجه به اینکه شریط و جوسازی به قدری شدید بود که طرفداران امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطر جدی بودند و تأمین جانی نداشتند، صداقت و استواری انسان ها در چنین موارد آشکار خواهد شد.

تذکر لازم درباره ی کثرت شیعیان صدر اسلام

البته باید توجه داشت که شیعیان مؤمن و فداکار که تا آخرین نفس دفاع می کردند، به چند نفر خلاصه می شدند، ولی افرادی که به خلافت امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد داشتند، بی شمار بودند. از جمله تمام بنی هاشم و بنی عبدالمطلب شیعه بودند.

مسعودی در مروج الذهب می نویسد: «درجنگ صفین دو هزار و هشتصد نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در سپاه علی علیه السلام بودند.» (17)

و عالم بزرگ سید علی خان در کتاب ارزشمند «الدرجات الرفیعه» می نویسد:

«اعلم ان کثیرا من الصحابه رجع الی امیرالمؤمنین و لیس الی استقصائهم جمیعا سبیل و قد اتفقت نقله الاخبار و علی ان اکثر الصحابه کانوا معه علیه السلام فی حربه...؛ همانا بسیاری از صحابه ی پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی امیرمؤمنان علی علیه السلام برگشتند که بر اثر کثرت نمی توان آنها را شمرد و مورخان معتقدند که در جنگ های عصر خلافت امام علی علیه السلام اکثر صحابه در صف آن حضرت بودند.» (18)

بنابراین، پیروان تشیع چند نفر افراد معدود نیستند بلکه تعداد آنها از همان آغاز بسیار بود.

مرحوم علامه سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه می نویسد: «شیعیان هر روز زیاد می شدند و در همان صدر اسلام به هزار نفر و بیشتر رسیدند و هنگامی که در عصر خلافت عثمان، ابوذر غفاری به شام تبعید شد، در آنجا بر اثر تبلیغات او بسیاری به تشیع گرویدند و گفته می شود که آغاز پیدایش شیعیان در جبل عامل از همین وقت شروع شد و در جنگ های صفین و جمل بسیاری از اصحاب و غیر اصحاب در مسیر تشیع بودند و در سپاه علی علیه السلام به حمایت از آن حضرت پرداختند و مذهب تشیع کم کم رواج یافت.»

نتیجه گیری و جمع بندی

در نتیجه، اینکه بعضی از خاورشناسان و علمای سنی مدعی شده اند که مذهب تشیع ساخته افکار ایرانیان است، تهمت نارواست. آنها این تهمت را چنین بیان می کنند: «ایرانیان شکست خورده در برابر مسلمانان، نسبت به حکومت اسلامی بدبین شدند و کینه و دشمنی خود را تحت نام تشیع به اسلام روا داشته اند...»

آیا به راستی چنین بود؟

«حقیقت این است که قبل از ورود اسلام و تشیع به ایران، علاوه بر بنی هاشم بسیاری از مردم عرب حجاز و یمن و اطراف به تشیع اعتقاد داشتند و اساس تشیع در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پی ریزی شد.» (19)

پی نوشت

1. با اینکه عبدالله بن سبا از غلات بود، و به دستور علی (ع) او را سوزاندند و خاکسترش را برپا دادند. (بحار، ج41، ص214 و 215).
2. تفسیر جامع البیان طبری، ج29، ذیل آیه 7 سوره ی بینه: شواهد التنزیل، ج2، ص357.
3. شواهد التنزیل، ج2، ص362؛ روح المعانی، ج30، ص307.
4. ترجمه ارشاد مفید، ج1، ص36.
5. اعیان الشیعه، چاپ ارشاد، ج1، ص18 و 19.
6. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مطابق نقل احقاق الحق، ج4، ص292.
7. عیون اخبار الرضا، ج2، ص58.
8. همان مدرک، ج2، ص60.
9. احتجاج طبرسی، ج1، ص210؛ عیون اخبار الرضا، ج2، ص60.
10. همان مدرک.
11. ترجمه ارشاد شیخ مفید، ج1، ص36.
12. همان مدرک.
13. نام این دوازده تن در سخنان امام صادق (ع) به عنوان افراد استوار و پرهیزکار در راه اهلبیت (ع) ذکر شده است (خصال شیخ صدوق، ج2، ص150)
14. نورالتقلین، ج4، ص570؛ بحارالانوار، ج2، ص321؛ قرب الاسناد، ص38.
15. رجال کشی، ص4؛ اعیان الشیعه، چاپ ارشاد، ج7، ص286.
16. قاموس الرجال، ج2، ص451؛ اعیان الشیعه، ج7، ص284.
17. اعیان الشیعه، چاپ ارشاد، ج1، ص24.
18. شرح بیشتر در اعیان الشیعه، ج1، ص24 و 25.
19. اقتباس از اعیان الشیعه، ج1، ص25 و 32.

نویسنده: محمد محمدی اشتهاردی

منبع: کتاب رابطه ایران با اسلام و تشیع